

حفاظت خداوند از فاجعه ها



خطبه ای برای دومین هفته از آمدن عیسی

متی 24 ؛ 1-14

1 درحالی که عیسی از معبد بزرگ خارج می شد، شاگردانش توجّه او را به بناهای معبد بزرگ جلب نمودند. عیسی به آنها گفت: «آیا این بناها را نمی بینید؟ یقین بدانید که هیچ سنگی از آن بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند، بلکه همه فرو خواهند ریخت» 3. وقتی عیسی در روی کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش نزد او آمدند و به طور محرمانه به او گفتند: «به ما بگو، چه زمانی این امور واقع خواهد شد؟ و نشانه آمدن تو و رسیدن آخر زمان چه خواهد بود؟» 4 «عیسی جواب داد: «مواظب باشید که کسی شما را گمراه نسازد» 5. زیرا بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: 'من مسیح هستم.' و بسیاری را گمراه خواهند کرد» 6. زمانی می آید که شما صدای جنگها را از نزدیک و اخبار مربوط به جنگ در جایهای دور را خواهید شنید. هراسان نشوید، چنین وقایعی باید رخ دهد، اما پایان کار هنوز نرسیده است» 7. زیرا ملتّی با ملتّ دیگر و دولتی با دولت دیگر جنگ خواهد کرد و قحطی ها و زمین لرزه ها در همه جا پدید خواهد آمد» 8. اینها همه مثل آغاز درد زایمان است» 9. در آن وقت شما را برای شکنجه و کشتن تسلیم خواهند نمود و تمام جهانیان به خاطر ایمانی که به من دارید، از شما منتفّر خواهند بود 10 و بسیاری ایمان خود را از دست خواهند داد و یکدیگر را تسلیم دشمن نموده، از هم منتفّر خواهند شد» 11. انبیای دروغین زیادی برخوانند خاست و بسیاری را گمراه خواهند نمود» 12. و شرارت به قدری زیاد می شود که محبت آدمیان نسبت به یکدیگر سرد خواهد شد» 13. اما هرکس تا آخر پایدار بماند نجات خواهد یافت 14 و این مژده پادشاهی الهی در سراسر عالم اعلام خواهد شد تا برای همه ملتّها شهادتی باشد و آنگاه پایان کار فرا می رسد .

در المان بچه ها در ماه دسمبر یک تقویمی (ادونت کالندر) که 24 عدد دریچه دارد را دریافت می کنند. اولین دریچه ان در روز اول دسمبر باز شده است و چهارمی ان نیز امشب باز خواهد شد. این نوع تقویم ها برای کودکان خوشحالی خاصی را در بردارد و انها بایستی برای این روزها ان را تدارک ببینند. در کنار این تقویم چیزهای دیگری هم وجود دارند که برای کودکان و بزرگسالان نیز شادی اور می باشند. مثل بوی خوب کیک ها ، برگه های کوچکی که ادم روی ان ارزوهای خودش را می نویسد و ان را در خانه اویزان می کند و یا هدایایی که کادو شده اند. و بالاخره همه این خوشی ها در روز 23 دسمبر به اوج خودش می رسد جایی که بچه ها از شنیدن بوی خوب درخت کریسمس و سردادن سرود این روز ، باهم بلند فریاد می زنند : فردا بابائونل با

هدیه هایش می آید. از زمان های زیادی است که انسان ها کودکان خودشان را با همچنین کارهایی مثل تقویم کریسمس خوشحال تر می کنند و روزهای انتظار آمدن کریسمس را شیرین تر می کنند.

همه این اتفاقات در چهار هفته باقی مانده به کریسمس رخ می دهد. ما از طرفی روز تولد عیسی را در این روز جشن می گیریم و از طرفی دیگر روز آمدن دوباره او را سپاس می داریم. و همچنین این خوشحالی که ما برای فرارسیدن آن را داریم را ما می توانیم امروز در ایه های این خطبه بخوانیم: بگو به ما ، پس کی ان اتفاق خواهد افتاد؟ شاگردان عیسی خیلی محطاتانه این سوال را از او می پرسند و هدف آنها از این پرسش ایجاد همان شادی می باشد که کودکان در قبل از روز کریسمس دارند. ولی عیسی در جواب شاگردانش به آنها یک شوک بزرگی را می دهد. من باید به راستی بگویم که از آینده ای که عیسی برای ما صحبت می کند خوشحال نیستیم. و من می توانم در این رابطه به این تیتیر فیلم سینمایی "همیشه اتفاق های بدی می افتد" اشاره کنم . بخاطر اینکه در آینده نگر عیسی همه چیز بدتر و بدتر خواهد شد. در ابتدا شاگردان عیسی خیلی به آن معبد طلایی داخل شهر اورشلیم دل بسته بودند. شاید خود آنها هم اگر روزی قدرت پادشاهی را در دست بگیرند خیلی نقشه ها برای خودشان و دیگران می کشند که چگونه حکمرانی کنند. هیچ پادشاهی دوست ندارد که عیسی را در کنارش داشته باشد. و اگر هم قرار باشد همه اهالی آن شهر که همچنین پادشاهی داشته باشد مطمئناً اعمال و رفتار آنها بودن الهام گرفتن و بدون رعایت کردن اصول ها و خواست عیسی می باشد. در این نوع پادشاهی هیچ سنگی روی سنگ بند نمی ماند و همه چیز نابود خواهد شد و دیگر نشانه و خواست و قدرت خداوند در این دنیا بی ارزش می شود. حتماً برای تمام شاگردان عیسی این صحبت های عیسی غیر قابل تصور می بوده است. و در زمانی که عیسی از آینده ما اینگونه صحبت کرده است حتماً هم یکی یا چند نفر از آنها بخاطر نبودن شدن این پادشاهی ها ترسی به آنها وارد شده باشد. ولی اینجا پایان این تلخی نمی باشد چرا که هنوز صحبت عیسی درباره نابودی این معبد تمام نشده بود که یک چیز وحشتناک تری را به زبان می آورد. او از نابودی کل جهان سخن می گوید و عنوان می دارد که چگونه مردم به جان هم می افتند و رودخانه خون همه جا را فرا خواهد گرفت. جنگ و پیامدهای آن ، گرسنگی و زلزله ها همه اینها خیلی ناگوار هستند. ادم چه چیزی در باره اینها بگوید؟ ولی من می توانم بلافاصله این را اعتراف کنم که عیسی در اینباره راست می گوید. هر چیزی که او پیشبینی کرده است تا به امروز اتفاق افتاده است. مثل از بین رفتن معبد در شهر اورشلیم و یا اقدام دولت رم آن زمان که هیچ سنگی را روی سنگ دیگر نگذاشتند و همه چیز را نابود ساختند. حال ما بی عدالتی و رنج را چطور در این دنیا می بینیم؟ از اولین روز پیدایش ، اینها همه هرروزه بدتر می شوند و ما آینده خوبی در این زمینه نمی بینیم. در این دنیا وقایع خیلی وحشتناکی رخ می دهد که ما همه آنها را می توانیم در رسانه ها دنبال کنیم جایی که هرروزه عوامل آنها ایده جدیدی برای اعمال خوشنت امیز خودشان دارند و ما می توانیم همه این ملیون ها اخبار را از هر رسانه ای دنبال بکنیم. ولی ما بجای اینکه به همه اینها توجه نشان بدهیم به آنها بی تفاوت هستیم. این اتفاقات هرروزه در اطراف ما رخ می دهند ولی ما بدون اینکه در آنها نقشی داشته باشیم فقط نظاره گر آن می باشیم. این عمل باعث می شود که چشم ما دیگر به این رویدادها عادت کند و بی تفاوت باشد. ما همیشه در این خطر هستیم که این رنج هایی که دیگران در اطراف ما می بینند را جدی نگیریم و بی تفاوت باشیم. آیا این به ما ربط پیدا نمی کند! ما به این چیزها خیلی خو گرفته ایم. ولی عیسی می خواهد که ما را از خواب بیدار کند و راه و فکر خودش را به ما نشان دهد. ولی اگر همه این رویدادها اتفاق بیافتد ، آن زمانی که عیسی گفته است نزدیک می شود. عیسی باز هم در این مرحله یک چیز وحشتناک تری را نیز می گوید. فقط زمانی نمی رسد که انسان ها از همدیگر متنفر می شوند و یا به خون همدیگر تشنه می شوند بلکه زمانی می رسد که پیامبران دروغین وارد کلیساها می شوند. و آنها به نام عیسی صحبت های دروغینی را انجام می دهند. و هدف آنها گمراه کردن ادم ها می باشد. حال چه کسی می تواند با این وضعیت سربلند شود و عاقبت همه ما دیگر چه خواهد شد؟ ادم دیگر به چه کسی می تواند اعتماد داشته باشد؟ عیسی با صحبت هایش قصد دارد به ما هشدار بدهد که به همه افرادی که مومن هستند اعتماد نکنیم حتی اگر آنها به نام عیسی صحبت نمایند. این تغییری است که در ایمان مسیحیان که در طول تاریخ کلیسا ها رخ داده است ، باید ما را آگاه سازد. ولی اگر هم بخواهیم ما مسیحیان همدیگر را در این رابطه متهم سازیم ، اوضاع برای ما بدتر نیز می شود و عیسی دیگر از پیش ما خواهد رفت. و شیطان جای او را در قلب ما می گیرد. همانطوری که عیسی می گوید: روزی می آید که قلب انسان ها سرد خواهند شد و این وحشتناکترین خبری بود که

عیسی به ما داده است. بخاطر اینکه ، موضوع دیگر به اوضاع بیرونی ما بر نمی گردد بلکه موضوع برسر اعماق درونی ما برمی گردد. و در این حالت و با این همه تهدیدهای بیرونی و درونی چه کسی می تواند از این دین سربلند بیرون آید؟ و با توجه به همه گفته های عیسی من دیگر امیدی به آینده نمی توانم داشته باشم. در ابتدا بایستی ان معبد ویران می شد بعد نظم دنیا نیز می بایستی از بین می رفت و بعد سوء استفاده از نام عیسی و در انتها تهدیدهای درونی و بیرونی ما مسیحیان. اگر محبت عیسی در ما دیگر اثر نداشته باشد و ما ان را به دیگران نخواهیم انتقال دهیم چه اتفاقی خواهد افتاد. ولی عیسی برای مقابله با تمام فجایه و مصیبت ها و قلب های سرد ، یک محافظ و ایده ای دارد. و ان هم کتاب خدا می باشد. چیزی که عیسی در اختیار ما قرار می دهد. و تا زمان برگشت عیسی ما از گسترش ان خسته نمی شویم. این در واقع یک تسلی بزرگ و قوت قلبی برای ما می باشد. عیسی در صحبت های خودش این را عنوان می دارد که در هیچ زمان از تاریخ کلام خدا از بین نمی رود. بدین ترتیب عیسی به نام خداوند این ها را وعده داده است و برای ما اشکار می شود که کتاب خدا در میان این دنیای فانی و سرزمین جاویدان ما باقی خواهند ماند. حال این کتاب را برای چه عیسی به ما توصیه کرده است و ما چرا باید همیشه در ان بمانیم. ما این را نباید فراموش کنیم که ما اجازه ان را نداریم برای جلو بردن کلام خدا از وسایلی که در این دنیا وجود دارد استفاده کنیم. زیرا کلام خدا برای همیشه به عنوان یک محافظ بر روی تمام وقایع مصیبت وار قرار می گیرد. ما باید در انجیل عیسی باقی بمانیم و در این جهانی که عیسی از او می گوید و این همه اتفاقات بد در ان می افتد ما بایستی به خدا وفادار باقی بمانیم. ما بایستی جایی که قلب انسان ها شکسته شده اند و یا از محبت دیگران سرد شده اند باید به انها بگویم که خدای ما و محبت او همچنان باقی مانده است و ان وجود دارد. و برای او فقط همیشه یک چیزی باقی می ماند و ان هم نجات انسان های از دست رفته خودش. مطمئناً این خیر از طرف خدا برای ما خیلی بی معنی و ناامید کننده می باشد چراکه در هر نقطه از جهان مسیحیان با قدرتی که افراد دیگر از شیطان دریافت می کنند کشته می شوند و در برخی از اوقات امید داریم که خداوند ما ، با قدرت اش بیاید و اخر زمان را رقم بزند. و ما در نهایت پیروز این میدان بشویم. ولی خداوند این کار را نمی کند و او در صبر و محبت خود باقی می ماند. هر جایی که تنفر است محبت می آید هر جا که شمشیر و کشتار است کتاب خدا به میان می آید. ما در این زمان نمی توانیم موفقیت های انجیل را بشناسیم. ما همچنین در این روزها می بینیم که چطور محبت خدا قلب انسان ها را فرا می گیرد. ما در همه جا می شنویم که چطور مسیحیان زیادی با توجه به بودن در موقعیت خطرناک باز هم انجیل را رها نکرده اند. و همچنین چه جنگ های دینی که به خاطر همین محبت خداوند برپا نشده اند. برای همین خدا به این فکر بوده است و این انجیل را برای ما کنار گذاشته است تا برای ما محافظی باشد در برابر هر گونه فاجعه ای. تا زمانی که او بر می گردد.

آمین